

از: استوری

ترجمه و نگارش: تقی بینش

تذکره شعرا

« ۷ »

ذکر میر ص ص ۴-۶۳؛ خلاصه الکلام شماره ۸ (فقط عبارتی دارد بانکی پور ج ۸ ص ۱۴۰)؛ صحف ابراهیم شماره ۳۹۳؛ خلاصه الافکار شماره ۴۰؛ مخزن الفرائب شماره ۲۲۹؛ مجموعه نغز ص ص ۶-۲۴؛ سپرنگر ص ص ۳-۱۳۲؛ بلوگمن Blochman Contribution to Persian Lexicography « راهنمای لغت نویسی فارسی » (در J. A. S. B ۳۷ قسمت اول (۱۸۶۸) ص ص ۸-۲۵ و ۱-۷۰؛ گارسن دو تاسی Garcin de Tassy ج ۱ ص ص ۸-۲۲۶؛ بیل Beale در Oriental biographical dictionary « فرهنگ رجال شرقی » تحت عنوان سراج الدین علی خان؛ م. آزاد در آب حیات (به زبان اردو) ص ص ۵-۱۲۲؛ ریو ج ۲ ص ص ۱-۵۰؛ رحمان علی ص ۷۱؛ بانکی پور ج ۳ ص ص ۱۸-۲۱۷؛ ج ۷ ص ۱۱۲؛ رام بابوسکسنا Saksena در History of Urdu Literature « تاریخ ادبیات اردو » ص ص ۸-۴۱؛ ش (ش=شیخ) شمر الله قادری در قاموس الاعلام (به زبان اردو) قسمت اول (حیدرآباد ۱۹۳۵)؛ مجموعه ۹-۲۶ که در آن چندین مأخذ دیگر می توان یافت.

۱۱۵۰- ش (ش=شیخ) جمال الدین ابوالمعالی^۱ م (م=محمد) علی^۲ حزین

۱- بنا بر یادداشتی در صغیردل نسخه مورخ ۱۱۸۵ بودلین که در کلیات چاپ سنگی

۲- محمد المدعو (یا: المشتهر) به علی وغیره .

نیست .

ابن ابی طالب زاهدی^۳ لاهیجی جیلانی متولد در ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۰۳ هـ / ۱۷ ژانویه ۱۶۹۲ م در اصفهان که پدرش به لاهیجان کوچ کرده است. وی تحصیلات خود را نزد پدرش و دیگران در زادگاه خود انجام داد^۴ و پس از آن در شیراز به صورت طلبه‌ای درآمد و به کسب علم و تألیف رساله‌هایی درباره مسائل درسی پرداخت^۵.

نوجوانی بود که بر اثر ناراحتی از پدرش قطعه شعری در هجو سرود (شرح حال او به قلم خودش صص ۲۰-۱۹ و ۲۲، ترجمه صص ۱۸ و ۲۱). از همه جالب‌تر اینست که بر اثر علاقه به تحصیل علم در اصفهان با

۳- وی (بنابر متن Blafour) ششمین نسل از شیخ زاهد گیلانی عارف بزرگ و مربی روحی شیخ صفی‌الدین اردبیلی سلف سلاطین صفویه بوده است (رک. تاریخ ادبیات سراون، جلد چهارم صص ۴۴-۳۸).

۴- اسم معلمها و کسانی که حوزین نزد آنها درس خوانده در شرح حالی که خودش نوشته است باکمال صراحت و صداقت ذکر شده است. ولی محمد باقر مجلسی (برای شرح حال او رجوع کنید به صفحه‌های ۸-۱۸۶ قبل از این) که بعضی از بیوگرافی نویسان، نوشته‌اند نبوده است. (رک. بانکی پور ج ۳ صص ۲۲۳) و تا این اندازه روشن است که حوزین بیش از سه یا چهار ماه اور ندیده است (شرح حال او به قلم خودش صص ۳۲ و ترجمه صص ۳۲). و وقتی مجلسی در گذشته حوزین هفت یا هشت ساله بوده است.

۵- رجوع کنید به شرح حال او به قلم خودش صفحه ۵۹۹ (و در ضمن این مشاغل کتب متداوله را درس می‌گفتم) ترجمه صص ۴۶ و مواضع دیگر از آن که از ترك کار معلمی (شاید در ۱۱۴۳ هـ / ۱-۱۷۳۰ م / در صفحه ۱۷۸ شرح حال او به قلم خودش و در صفحه ۱۹۵ ترجمه ذکر شده است. آخرین کتابهایی که درس داده است عبارت بوده‌اند: اصول کافی، من لایحضره الفقیه، الهیات شفا و شرح تجرید.

کشیشهای بزرگی نظیر «خلیفه آوانوس Avānūs»^۶ (شرح حال او به قلم خودش ص ۵۷، ترجمه صص ۳-۶۲) و مخفیانه بایک یهودی به اسم شعیب (ایضاً صفحه ۵۸ و ترجمه صفحه ۶۳) آشنا شد و چندین کتاب مسیحی خواند و ترجمه‌های از تورات برای استفاده شخصی نوشت. و نیز اندکی پس از این تاریخ^۷ بوسیله یک دستور زرتشتی در بیضا، اطلاعاتی دربارهٔ دین زرتشت کسب کرد.

حزین قبل از مرگ پدرش | در ۱۱۲۷ هـ / ۱۷۱۵ م | چندین شهر را در فارس^۸ و نقاط دیگر دیده بود ولی چندین سال پس از آن تاریخ هنوز در

۶- خلیفه آوانوس Avanus " به طوری که در نوشته Belfour ذکر شده یا آوانوس خلیفه به قرار که خود حزین نوشته است و در آغاز کتاب فارسی دربارهٔ شهادتهای مسیحی که در ۱۶۹۰ م تألیف شده (نسخه‌های خطی: ریو جلد اول متمم ص ۵، براون جلد متمم ۱۲۸۸) . به عقیده ریو یک پاپاوی Roman Catholic است که احتمال می‌رود فرانسوی‌الاصل باشد. Lady Shiel لدی شیل در کتاب Glimpses of Life and Manners in Persia «نظریات کوتاهی به زندگی و اخلاق در ایران» چاپ ۱۸۵۶م لندن ص ۱۴ ۳۴۹ می‌گوید از اول یک خلیفه نسطوری یا اسقف نامیده شده است. بنابراین چه در سرگذشت حاجی بابا :

Advantures of Hajji Baba (فصل ۴۰) آمده است بطریق او چمبازین را

در ایران خلیفه می‌گفته‌اند .

۷- بعد از مرگ پدرش در ۱۱۲۷ هـ / ۱۷۱۵ م (شرح حال او به قلم خودش ص ۱۰۰، ترجمه ص ۱۱۰): ولی معلوم نیست چقدر قبل از آن.

۸- در یکی از سفرهایی که تنها کرده حزین خودش می‌گوید که موفق به دیدن بیشتر فارس شده است (شرح حال او به قلم خودش صفحه ۹۱ زیر صفحه) (و در آن سفر کمتر ناحیه از مملکت فارس مانده باشد که ندیده باشم، ترجمه صفحه ۱۰۰).

اصفهان که محل سکونت اولیه اش بود اقامت داشت و در آنجا بود که حمله افغانها و محاصره اصفهان در ۵-۱۱۳۴ هـ/ ۲- ۱۷۲۱ م روی داد [رك. صفحه ۸۳۱ شماره ۲ قبل از این]. حزین از نابسامانی و ناراحتی مردم پریشان شد و این ناراحتی و شوریدگی خاطر بیشتر شد و قتی دوهزار جلد از کتابهایش را فروخت و بقیه کتابهای کتابخانه اش را افغانها به زور گرفتند. در اواخر دوران محاصره بود که به حيله نجات یافت و از آن پس در طول یازده سال در بدر و خانه به دوش بود و از جایی به جایی می رفت^۹.

در طول این مدت وقت او یکسر در معاشرت با طلاب و علما و سرودن شعر می گذشت و به نوشتن کتابهای فلسفی و دیگر رساله ها و گاهی مسائل آموزنده اشتغال داشت. اندکی بعد از آن بود که حزین به ملاقات شاه طهماسب نایل آمد (دوره حکمرانی: از ۱۱۳۵ هـ/ ۱۷۲۲ م تا ۱۱۴۴ هـ/ ۱۷۳۱ م): شاه در مشهد او را دید (شرح حال او به قلم خودش ص ۱۶۱، ترجمه ص ۱۷۴) و او را دعوت کرد [در حدود ۱۱۴۲ هـ/ ۱۷۲۹ م] که به قشون دولتی به پیوند و بر علیه اشرف افغان مبارزه کند (شرح حال او به قلم خودش ص ۱۷۵، ترجمه ص ۱۹۲) و بر اثر این بود که حزین در اصفهان نقشه هایی به شاه ارائه داد که در حفظ خاندان او مفید بود (شرح حال او به قلم خودش ص ۱۹۰، ترجمه ص ۲۰۶). در این هنگام در ایران سالهای بی نظمی و انقلاب می گذشت و در شرح حال او به قلم خودش بعضی مطالب درباره تاخت و تاز افغان و ترك هست که شایان توجه است مخصوصاً درباره انقلابهای محلی و قیام نادر و دیگر حوادث تاریخی آن عصر یادداشتهایی دارد. ناراحتی و ناامنی بقدری

۹- براون فهرستی از این شهرها را که حزین دیده، داده است (جلد ۴ ص ۲۷۹) از جمله

شهرهای دیدنی است زیارت اعتاب مقدس الحجاز و عراق (تقریباً سه سال در نجف بوده است).

زیاد شد که حزین تصمیم گرفت آن سرزمین و دیار خود را ترک کند^{۱۰}.
 حزین در ۱۰ رمضان ۱۱۴۶ هـ/ ۱۴ فوریه ۱۷۳۴ م از بندر عباس به سفر
 دریا پرداخت و در حدود شوال^{۱۱} به تته Tattah سند رسید. پس از بیش
 از دو ماه^{۱۲} توقف در آنجا وی به سفر خود ادامه داد و پس از آن به ترتیب در:
 خداآباد (هفت ماه بیمار)، بهکر^{۱۳} Bhakkar (نزدیک یک ماه)، در دهکده‌ای
 نزدیک مولتان Multān (نزدیک دو سال)، لاهور (سه ماه)، دهلی (بیش از ۱۲
 ماه) اقامت جست و بعد از آن دوباره به لاهور رفت (علت این بود که شنید
 نادرشاه قندهار^{۱۴} را محاصره کرده است. وی در لاهور در طول طولانی مدت
 محاصره بسربرد و بعد از آن هم تا وقتی که نادرشاه به ناحیه کابل رسید ماند)
 و از آنجا به سلطان پور و سرهند سفر کرد و دوباره به دهلی مراجعت کرد

۱۰- بنا بر یادداشتی که عبدالمقندر (بانکی پور ج ۳ ص ۲۲۴) در خصوص شخصیت حزین
 و نفوذ والہ در وی دارد (برای والہ رجوع کنید به صفحه ۳-۸۴۰ قبل از این) علت اصلی
 عزیمت حزین این بود که در قتل والی محمدخان شاملو که از طرف نادر سمت حکمرانی لار را
 داشت مورد سوءظن قرار گرفت و ماندنش در ایران خطرناک بود.

۱۱- بنا بر قول آزاد (خزینة عامره ص ۱۹۴) حزین ده روز زودتر از این تاریخ به تته
 رسیده بوده است.

۱۲- ولی حزین چندین بار دیگر در لاهور توقف داشته است.

۱۳- هنگامی که آزاد از سیوستان Siwistān به دهلی می‌رفت حزین را ملاقات کرد و
 موقوف شد نسخه‌ای از بعضی اشعار او را به یادگار بگیرد (خزینة عامره ص ۱۹۴).

۱۴- نادرشاه قیل از نوروز ۱۱۴۹ هـ/ مارس ۱۷۳۷ م به قندهار رسید و شهر در ششم
 ذوالقعدة ۱۱۵۰ هـ/ ۲۳ مارس ۱۷۳۸ م تسلیم گردید.

و در تمام مدتی که نادر^{۱۵} به تاخت و تاز در آن ناحیه سرگرم بود در آنجا بسر برد و مدتی متجاوز از سه سال در آنجا اقامت گزید و کتاب تذکره الاحوال را در سن ۵۳ سالگی بعد از ۱۱۵۴/هـ. ۱۷۴۲ م. [ایضاً] نوشت. وی مدت هشت ماه در کمال ناراحتی در هند بسربرد و در این مدت همواره پریشان خاطر بود و هیچ جارا موافق باطبع خود نمی یافت. بازگشت اول او به لاهور وقتی بود که به قصد سفر کابل از هند عزیمت کرد و از قندهار به خراسان رفت. قصد داشت مدتی در آنجا بماند ولی شنید که نادر به آن حدود رسیده است و از توقف منصرف گردید. پس از آن که نادر شاه از آن حدود عزیمت کرد حزین برای مرتبه دوم به عقب برگشت و به لاهور مراجعت کرد اما چون زکریا خان که در آنجا حکومت داشت با او میانه خوبی نداشت احساس کرد هنوز خطر باقی است و واله (به بینید صفحه های ۳-۸۳ قبل از این را) وسیله مراجعت او را به دهلی فراهم آورد (خزینه عامره صفحه ۱۳-۱۰، ۱۹۴، بانکی پور ج ۳ ص ۹-۳، ۲۲۵).

عمدة الملك [بضم م - مترجم] امیر خان «انجام»^{۱۶} برای وی سیورغالی از محمدشاه^{۱۷} گرفت (خزینه عامره ص ۱۴، ۱۹۴، بانکی پور ج ۳ ص ۲۲۵) و

۱۵- نادرشاه در جنگ کرنال Karnāl در ۱۵ ذوالقعدة ۱۱۵۱/هـ. ۲۴ فوریه ۱۷۳۹ فاتح شد و در ۹ ذوالحجه/۲۰ مارس دهلی را گرفت و آن شهر را در ۷ صفر ۱۱۵۲/هـ. ۱۶ مه ۱۷۳۹ م. ترك گفت. آزاد می گوید وقتی که نادر در دهلی بود حزین در خانه واله مخفی شده بود (خزینه عامره ص ۱۰، ۱۹۴).

۱۶- برای شرح حال این شخص رجوع کنید به صفحه ۱۱، ۷۲۷ قبل از این.

۱۷- بنابر قول غلام حسین خان، حزین پیش از این تاریخ بوسیله محمدشاه دعوت شده بود که مباشرت اداره وزارت را برعهده بگیرد (سیر المتأخرین کاونپور ۱۸۶۶ ج ۲ ص ۱۱، ۶۱۵؛

سرانجام مصمم شد رحل اقامت بیفکنند ولی تنفیری که از هند و هندیها داشت وی را بر آن داشت که دوباره به دهلی^{۱۸} برگردد و خیلی پیش از حرکتش در مرتبه اول به آگره (خزینة عامره ص ۱۸-۱۹۴) و پس از آن به بنارس بود که عزم رحیلش به اقامت تبدیل شد. ظاهراً وی هنوز گاهی امید مراجعت به ایران را در دل می پروراند زیرا غلام حسین خان گفته است چند مرتبه او به پتنه رفت و به فکر ترك کردن هند بر آمد ولی موانعی سد راه آرزوی او شد (سیر المتأخرین کانپور ۱۸۶۶ ص ۱۷-۶۱۵: چندبار آن عالی مقدار تابه عظیم آباد رسیده عازم بدر رفتن از خاک سیاه هند بود، تقدیر مساعدت ننمود). در بنارس غلام حسین خان او را مکرر دید (برای اطلاع از این شخص رجوع کنید به صفحه های قبل از این). و چندبار در سال ۱۱۷۷ هـ/ ۱۷۶۴ م با امپراطور [شاه عالم] و وزیر [شجاع الدوله اوده Oudh] و میر حاتم [ناظم بنگال] ملاقات کرد و نصیحت کرد که با انگلیسها جنگ نکنند (سیر المتأخرین ج ۲ ص ۲۴-۲۲، ۷۴۶). پس از آن که وی تسلیم به گذراندن بقیه عمر خود در هند شد مقبره های برای خودش در بنارس ساخت و هم در آنجا پس از آن که در ۱۰ ریل ۱۱ یا ۱۲ یا ۱۸ جمادی الاولی سال ۱۱۸۰ هـ/ نوامبر ۱۷۶۶ م در گذشت مدفون گردید. بنابر قول عبدالمقندر غیر از مقبره دوبیت شعر^{۱۹} برای سنگ قبرش ساخته است که در قسمتی از بنارس

←

محمدشاه به واسطه عمده الملك و دیگر مقربان دولت خواه مکرر پیغام داده مسألت نموده که متعهد امضاء امور وزارت گشته رونق افزای سلطنت او شود اما چون سرفرو آوردن به دنیا ننگ و عار آن نقاوه اخیار بود راضی نشد.

۱۸- علت این تنفر در تبیه الغافلین آرزو (ص ۸۲۷) قبل از این ذکر شده است.

۱۹- زبان دان محبت بوده ام دیگر نمی دانم

همین دانم که گوش از دوست پیغام شنید اینجا

←

که امروز به آن فطیمان Fatimān گفته می‌شود هنوز باقی است. غلام حسین خان که حزین را در آخرین سالهای زندگی اش خوب می‌شناخته (سیر المتأخرین ج ۲، ۶، ۶۱۵): مخفی نماند که فقیر و کسانی که به همه وجوه بهتر از این حقیر بوده‌اند اعتراف دارند که در این جزو زمان چون او کسی دیده نشده بل که مترددین عرب و عجم نیز به جامعیت آن جناب در جمیع علوم ظاهر و باطن را در اطراف و اکناف نشان نداده‌اند، آیتی بود از آیات الهی....) تحت تأثیر معلومات عمیق و معنویت او قرار گرفته بوده است. ریموند Raymond (حاجی مصطفی) مترجم کتاب سیر المتأخرین که حزین را در سال ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵ م دیده‌است او را «مردی حساس و عالم» یافته‌است. حزین مردی متقی، دین‌دار بود ولی معلوم نیست شهرت و اعتبار او در زمان حیات آیا بهمان اندازه بوده‌است که بعد از مرگش بنا بر آنچه که در آرایش محفل مؤلف در ۲۰-۱۲۱۹ هـ / ۵-۱۸۰۴ م آمده (بینید صفحه ۵۶ قبل از این را). حزین مکاشفات و کراماتی نیز داشت و باریاضت زحماتی درباره خورشید (ظ: تسخیر آفتاب، مترجم) متحمل شده بود. بدخویی و کج طبعی او اگرچه به قدر کافی مورد بحث و تفسیر واقع شده‌است به نظر می‌رسد محصول بدی بهداشت باشد و در این خصوص می‌توان به شرح حال او به قلم خودش مراجعه کرد.

تذکره الاحوال (صفحه‌های ۶۴، ۹۷ و ۱۰۱ و ۱۶۳) ترجمه صفحه‌های ۷۱ و ۱۰۶ و ۱۱۱ و ۱۷۶، حکایت دارد که حزین چهار دیوان ترتیب داده بوده‌است که سه دیوان را در شیراز تدوین کرده [ظاهراً کمی بعد از سال

← حزین از پای ره‌پیما بسی سرگشتگی دیدم

سر شوریده بر بالین آسایش رسید اینجا

۱۱۲۷ هـ] و دیوان چهارم را در مشهد جمع کرده است [ظاهراً بین ۱۱۳۹ و ۱۱۴۲ هـ]. از این چهار دیوان سه دیوان اول گویا نسخه‌ای ندارد ولی دیوان چهارمی باید همان باشد که موجود است و در سال ۱۱۵۵ نوشته شده است. این دیوان را مؤلف یا کاتب دیوان چهارم نامیده است و باید رونویسی باشد از يك مجموعه. دیوان مورخ ۱۱۵۵ (محفوظ در بریتیش میوزیوم، ریو ج ۲ ص ۷۱۵a که تاریخ آن با سایر مآخذ تطبیق می‌کند) مقدمه‌ای به‌نثر دارد (آغاز: افتتاح نامه) و در آن تصریح شده است که قبل از آن سه دیوان دیگر تدوین شده بوده است. مؤلف تأیید کرده است که در سن پنجاه سالگی این دیوان چهارم را در سال ۱۱۵۵ گردآورده و چهار دیوان رویهم بالغ بر ۳۰۰۰۰ بیت داشته است. دیوان مورخ ۱۱۵۵ شامل این قسمت‌هاست: قصائد، غزلیات، غزلیات ناقص (غزلیات متفرق و اغلب قطعات دو یاسه‌بیتی، رباعیات، مقطعات و قسمتی از چهار مثنوی^{۲۰}: چمن و انجم، خرابات^{۲۱} (مختصر)، مطمح‌الانظار (مقدمه) و تذکره العاشقین

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۰- در مقدمه منثوری که همراه این چهار مثنوی^{۲۰} هم‌راه این چهار مثنوی ضمیمه شده است در نسخه بریتیش میوزیوم چنین آمده است: نسخه اصلی این اشعار در نواحی مختلف پراکنده بود و آنچه در اینجا آورده می‌شود نمونه‌ای است از آنها که به کمک دوستی نجیب درهند فراهم آمده است.

۲۱- رجوع کنید شرح حال او به قلم خودش صص ۷۲-۱۶۴، ترجمه صص ۹۰-۱۷۶ که در آنجا می‌گوید: مثنوی خرابات را به اقتضای بوستان سعدی ساخته است و ۱۲۰۰ بیت دارد [ظاهراً در مشهد در فاصله سالهای ۱۱۳۹ و ۱۱۴۲ هـ ساخته است] این مثنوی کامل است و بعضی از آن اشعار به صورت منتخب در شرح حال او به قلم خودش نقل شده است و همین منتخبات با بعضی قسمت‌های دیگر در کلیات چاپ لکنو و کاونپور نیز هست.

(مقدمه و خاتمه) ۲۲ .

دیوان مورخ ۱۱۵۵ به نظر می‌رسد اساس قسمت شعری کلیات چاپ لکنو^{۲۳} و کاونپور باشد (رک صفحه ۸۴۷ بعد از این) ولی دو مثنوی کوتاه به اسم صفیر دل مؤلف در ۱۱۷۳ و فرهنگ‌نامه نیز دارد. مثنوی هفتمی هم به نام ودایع البدیعه که به پیروی از حدیقه سنائی در سن ۷۰ سالگی سروده شده (ظاهراً در ۱۱۷۳ هـ) نیز در بعضی از نسخه‌های خطی^{۲۴} موجود است.

ظاهراً حزین دیوان پنجمی ترتیب داده بوده است و گویا اضافاتی بر دیوان چهارم داشته باشد. چنانچه از نسخه‌ای از دیوان او که در بریتیش میوزیوم محفوظ است برمی‌آید و شامل قصائد و غزلیات (کمی در آخر نافص) هست و ریو (ج ۲ ص ۷۱۷ a) آن را معرفی کرده است و اولش اینست: «غنی‌تر از نسخه‌های قبلی» .

بسیار اثر منشور که بعضی از آنها دارای حواشی نیز هست و در زمینه متون درسی معروف است به اسم *درم شرح حال او به قلم خودش* ذکر شده است

رتال جامع علوم انسانی

۲۲- رجوع کنید به شرح حال او به قلم خودش ص ۹۹-۱۷ و ترجمه ص ۹-۱۰۶ . در

آنجا هست که این مثنوی در اصفهان ساخته شده [از قرار معلوم پیش از ۱۱۲۷ هـ] مشتمل بر ۴۰۰۰ بیت بوده است .

۲۳- این مطلب از اشعار و سایر نسخه‌ها استنباط می‌شود. بی‌ارزش نیست گفته شود.

که بیشتر قطعات کلیات چاپ سنگی (ص ۹۲۰) شامل ابیاتی است که حزین در مرگ پدرش سروده است و این ابیات در شرح حال او به قلم خودش نقل شده است (ص ۱۷-۱۶ و ترجمه ص ۱۶-۱۵) و این اشعار مدتی قبل از چهار دیوان سروده شده است .

۲۴- E. g Bodlian (۲) ۱۱۸۵ و (۵) ۱۱۸۴، بانکی پور ج ۳، ۴۰۷، بلوشه ج ۲ ،

۱۹۴۰، متمم براون (۱) ۱۱۲۹ و ایوانف (۱) ۸۶۲

اص ص ۵۹ و ۸۲ و ۸۴ و ۷-۹۶ و ۱۵۰ و ۱۶۲ و ۲۰۱ و ۲۳۷ ترجمه ص ص ۶۴ و ۹۲ و ۹۳ و ۱۰۵ و ۱۶۳ و ۱۷۵ و ۲۱۹ و ۲۵۶). از این جمع رساله تجرد نفس که در کرمانشاه تألیف شده (شرح حال او به قلم خودش ص ۱۵۰، ترجمه ص ۱۶۳) و نسخه ندارد باید همان رساله در تجرد نفس یا رساله در حقیقت نفس و تجرد باشد که چندین نسخه خطی از آن موجود است (اته ۱۹۰۴، بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱، ایوانف کرزن (۲) ۵۰۲، ایوانف جلد دوم متمم (۵) ۱۰۴۳).

فرس نامه موجود (بانکی پور ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۲۳، لندسیانا ص ۱۵۲ ریو ج ۲ ص ۴۸۳) که در هند تألیف شده در حقیقت جانشین کتابی است در بیطاری که نسخه ندارد. مؤلف در جوانی آن را در اصفهان تألیف کرده بوده است [در حدود ۱۱۲۷، ببینید شرح حال او به قلم خودش ص ۹۷، ترجمه ص ۱۰۶] و نمونه کوچکی از تازه ترین آثار منشور او بشمار می رود.

آن مقدار از آثار منشور حزن که در شرح حال او به قلم خودش ذکر شده و بیشتر آنها نسخه دارد بدین قرار است:

۱- المعه [معنی؟] مرآت الله فی شرح آیات شهید الله تفسیر عربی از سوره سوم آیه ۱۶ که در اردبیل در سال ۱۱۳۹ هـ تألیف شده است (نسخه های خطی: اته ۱۹۰۴، ایوانف-کرزن (۴) ۷۵۲، I. O فهرست نسخه های خطی عربی جلد دوم (۲) ۱۱۶۵).

۲- شجرة الطور فی شرح آیات النور تفسیر عربی سوره ۲۴ آیه ۳۵ مؤلف در مشهد به سال ۱۱۴۰ هـ (نسخه های خطی: اته ۱۹۰۴، ایوانف-کرزن (۳) ۷۵۲، I. O فهرست نسخه های خطی عربی جلد دوم (۱) ۱۱۶۵).

۳- تحقیق در معاد روحانی (بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۳، ایوانف-کرزن (۱) ۷۵۲، ایوانف جلد دوم متمم (۳) ۱۰۴۳).

- ۴- رساله اوزان شرعی یا رساله در اوزان مثقال و درهم و دینار و غیره (بانکی پور جلد سوم ص ۲۳۳، ریو جلد دوم ص ۴۸۳، ایوانف کرزن (۷) ۵۰۲).
- ۵- مساله حدوث و قیدم (بانکی پور جلد سوم ص ۲۳۲، ایوانف - کرزن (۳) ۵۰۲، ایوانف جلد دوم متمم (۴) ۱۰۴۳.
- ۶- جواب رقعات شیخ حسن مرحوم (بانکی پور جلد سوم ص ۲۳۲).
- ۷- شرح قصیده لامیه: شرح و تفسیر قصیده‌ای است که مؤلف خود در مدح و منقبت علی [ع] سروده است (بانکی پور جلد سوم ص ۲۳۲ و ۲۳۵).
- ۸- رساله صیدیه یا رساله در خواص حیوان (علی گره Subh نسخه‌های خطی ص ۸، بانکی پور ص ۲۳۲، ریو جلد دوم ص ۴۸۳).
- ۹- رساله مختصری درباره اغتشاشات هند. مؤلف در حسین آباد به سال ۱۱۸۰ هـ (رک. صفحه ۶۱۵ قبل از این).
- ۱۰- دستور العقلاء در زمینه دستورهای اداری و اخلاقی و غیره که در دهلی به سال ۱۱۵۳ هـ / ۱۷۴۰ م تألیف شده است (نسخه‌های خطی: I. O. D. P ۱۲۰۷، ایوانف - کرزن (۱) ۵۰۲).
- ۱۱- مواعد اسحار. درباره فقه شیعه (برون جلد متمم ۱۲۸۰).
- ۱۲- مذاکرات فی المحاضرات I.O.D.P ۱۲۰۷.
- ۱۳- مصابیح الظلام فی آراء العلام (آصفیه i. p ۱۷، زیر عنوان: بلاغت).
- فهرست مفصلی از آثار حزین که بدون تردید کامل نیست و گویا بعد از مرگش تدوین شده در نجوم السماء هست (ص ص ۹۳-۲۸۷).
- کلیات حزین
- کلیات حزین در [کنوا] بوسیله نول کشور Navalkishōr به سال ۱۲۹۳

هـ/۱۸۷۶م و در کاونپور به سال ۱۸۹۳ [م.] منتشر شده است (رجوع کنید به تاریخ ادبیات براون جلد چهارم ص ۲۸۱ ش ۵) این کلیات شامل قسمتهای زیر است:

- ۱- تاریخ احوال به تذکره حال مولانای شیخ محمدعلی حزین که خود نوشته است ص ص ۱۴۴-۲.
- ۲- [مقدمه بردیوان مورخ ۱۵۵، آغاز] افتتاح نامه و غیره ص ص ۵۰-۱۴۵.
- ۳- قصیده‌ها ص ص ۱۵۰-۲۵۵.
- ۴- دیوان | i. e. | غزلیات | ص ص ۲۵۷-۶۸۹.
- ۵- متفرقات ص ص ۶۹۱-۷۴۸.
- ۶- رباعیات ص ص ۷۴۹-۸۹.
- ۷- مثنویات [Viz] صغیر دل «ص ص ۷۹۱-۸۲۲» چمن انجمن^{۲۵} ص ص ۲۸-۸۲۳، مختصری از کتاب مثنوی مسمی به خرابات ص ص ۶۱-۸۳۹ دیباچه مطمح الانظار ص ص ۹-۸۶۳، فرهنگ نامه ص ص ۸۷-۸۷۱، فاتحة الخاتمه، مثنوی موسوم به تذکره العاشقین ص ص ۹۰۲-۱۸۸۹.
- ۸- مقطعات ص ص ۲۹-۹۰۳.
- ۹- تذکره [المعاصرین] ص ص ۱۰۳۱-۹۳.

۱- تذکره الاحوال^{۲۶}

شرح حالی است از خودش که شامل اطلاعات تاریخی زیادی است و در

۲۵- بدون تردید این همان است که قبلا اشاره شد (ص ۸۵۱، ش ۱)

۲۶- مؤلف خودش برای این اثرش اسمی نگذاشته است و این عنوان از روی سرصفحه

نسخه‌های خطی و چاپی بدست آمده e.g. تاریخ احوال حزین، حالات شیخ علی حزین و غیره.

پایان سال ۱۱۵۴/هـ. ۱۷۴۲م در دهلی تألیف شده است :
 سپرنگر ۲۲، بانکی پورج ۷، ۶۲۴ (۱۱۶۲/هـ. ۱۷۴۹م) و ۶۲۵ (۱۲۸۱/هـ. ۱۸۶۵
 م)، ایوانف ۲۲۵ (Circ ۱۱۸. ۷-۱۷۶۶)، ۲۲۶ (قرن ۱۸) و ۲۲۷
 (قرن ۱۹)، ایوانف-کرزن ۵۵ (قرن ۱۸) و ۵۶ (قرن ۱۸)، لیندسیانا ص ۱۵۱
 ش ۲۴۶ (Circ ۹. ۱۷۸۰-۹۰م) و ش ۴۴۷ (Circ ۱۸۰۰م) و ش ۵۵۹ (۱۲۱۸-
 هـ/۴-۳۰۱۸۰م)، بودلین ۳۸۳ (۱۱۹۷/هـ. ۱۷۸۳م)، براون جلد متمم ۳۰۰
 (قبل از ۱۷۸۸م نسخه سلطنتی ۷۴)، ریو ج ۲ a ۸۲۳ از قرن ۱۸ متأخر)،
 ج ۱ a ۳۸۱ (۱۲۱۶/هـ. ۱۸۰۱م) و ج ۲ b ۸۴۳ (۱۲۴۴/هـ. ۱۸۲۹م)،
 Rehatesk رهاٹسک ص ۲۱۸ ش ۱۱ (ظاهر آ ۱۲۱۴/هـ. ۱۷۹۹م)، I.O.D.P
 ۶۷۴ (۱۲۲۳/هـ. ۱۸۰۸م)، اته ۶۷۷ (۱۲۷۷/هـ. ۱۸۱۲م) ۳۹۵۲ I. O.
 (۱۲۵۹/هـ. ۱۸۴۳) و (c) ۳۹۷ Ross and Browne راس و براون (۲) ۲۴۰
 (۱۲۸۰/هـ. ۱۸۶۴م)، Vollers و ولرس (۲) ۹۸۷.

چاپها :

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

لندن ۱۸۳۱ The life of Sheikh Mohammed Ali Hazin

«زندگی شیخ محمدعلی حزین» به اهتمام F.C. Belfour بل فور .

عنوان فارسی: تاریخ احوال به تذکره حال مولانای شیخ محمدعلی

حزین که خود نوشته است «ترجمه شرقی مبانی»، بنارس (عنوان؟) ،

[کنو] ۱۲۹۳/هـ. ۱۸۷۶م (کلیات حزین صص ۱۴۴-۲)، کاونپور ۱۸۹۳

(کلیات حزین صص ۱۴۴-۲)، رک. تاریخ ادبیات براون ج ۴ ص ۲۸۱ ش ۵،

دهلی ۱۳۱۹/هـ. ۱۹۰۲م (سوانح عمر... علی حزین) .

ترجمه‌ها :

۱- زندگی شیخ محمدعلی حزین The life of Sheikh Mohammed Ali

Hazin از F.C. Belfour لندن ۱۸۳۰ (ترجمه شرقی مبانی) بمبئی ۱۹۰۱

«قسمت ۲» فقط؟]، بمبئی [۱۹۱۰ دو جزء]،

۲- ترجمه تاریخ احوال مولانا محمد شیخ علی حزین

The Translation of the Tarikh-i-ahwal of Mowlana Muhammad

With an introduction and appendix by Sheikh Ali Hazin

از M. C. Master بمبئی ۱۹۱۱

۳- تذکره المعاصرین

یادداشت‌هایی است درباره تقریباً ۱۰۰ شاعر معاصر فارسی که در نه روز و در آخر سال ۱۱۶۵ هـ/ ۱۷۵۲ م نوشته شده است و منقسم می‌شود بر دو فرقه (۱- علمایی که شاعر بوده‌اند ۲- شعرای حرفه‌ای):

سپرنگر ۲۱، بانکی پور ج ۳، ۴۰۷ (۱۱۷۸ هـ/ ۱۷۶۴ م) و ۴۰۸ (قرن ۱۹) متمم جلد دوم، ۲۳۵۰، ریو ج ۲ b ۸۷۳ (قبل از ۱۱۸۲ هـ/ ۱۷۶۸ م) و ج ۱ b ۳۷۲ (۱۱۹۳ هـ/ ۱۷۷۹ م)؛ ج ۲ b ۸۴۳ (۱۲۴۴ هـ/ ۱۸۲۹ م) ایوانف ۲۲۸ (قرن ۱۸) و ۲۲۹ (قرن ۱۹)، اته ۶۷۸ (۱۸۰۶ م) (شاید ۱۲۲۷ هـ/ ۱۸۱۲ م) I. O. D. P ۴۹۳ (از قرن ۱۹ متاخر) (a) I. O. D. P ۵۸۶ (۱۲۴۹ هـ/ ۱۸۳۳ م) (a) I. O (از قرن ۱۹ متاخر)، علی‌گره Subh نسخه‌های خطی ص ۶۰ ش ۱۱ (۱۲۴۵ هـ/ ۱۸۲۹-۳۰ م)، برلین ۶۵۵ (در قسمت یادداشت مربوط به شفیف علی Shaghaf افتادگی دارد).

چاپها:

کلیات حزین [لکنو] ۱۲۹۳ هـ/ ۱۸۷۶ م صص ۱۰۲۵-۹۳۱ کاونپور

۱۸۹۳ (رک. تاریخ ادبیات ایران ج ۴ ص ۲۸۱ ش ۶۰۲۵ صص ۱۰۲۵-۹۳۱)

فهرست رئوس مطالب و شرح حالها:

سپرنگر صص ۴۱-۱۳۵

معرفی :

ژورنال انجمن سلطنتی آسیائی J. R. A. S ج ۹ (۱۸۴۸) صص ۹-۱۴۷
 (از N. Bland) [Tadhkirat al - ahwāl : Tadhkirat al-niū' asirīn]
 (بیوگرافی ندارد اما شرح حال خودش در موارد مختلف آمده است: رک .
 رک: سپرنگر صص ۴۱-۱۳۵)؛ سفینه خوشگو (خلاصه دربانکی پور ج ۸
 صص ۱۱۰)، مبتلی، منتخب الأشعار (بودلین ۳۷۹ ش ۱۸۷)، واله در ریاض-
 الشعراء (مأخذ: اصلی عبدالمقندر شامل حزین در بانکی پور ج ۳ صص ۷-
 ۲۲۳)؛ مجمع النفائس؛ خزینه عامره صص ۲۰۰-۱۹۳ (ش ۳۶)؛ تاریخ
 محمدی؛ آتشکده ش ۷۸۳؛ سیر المتأخرین لکنو ۱۸۶۶ ج ۲ صص ۲۶-
 ۶۱۵، ۱۷ و ۶۳۲، ۴ و ۶۷۲، ۲۳ و ۷۴۲، ۳-۲۲ و ۷۴۴، ۳-۲۲ و ۷۴۶ و
 ۷۷۶، ۱۸ ترجمه کلکته ۱۹۲۶ ج ۲ صص ۸-۱۷۶، ۴۳۳-۴ و ۵۲۵ و حاشیه
 صفحه؛ خلاصه الکلام ش ۱۹، عقد ثریا؛ خلاصه الافکار ش ۸۶؛ شرحی بی امضاء
 و بی اسم درباره حزین (نسخه خطی: I. O. ۳۶. ۴)؛ مخزن الفرائب ش ۶۵۲؛
 مرآت آفتاب نما numā؛ آرایش محفل (بینیید صص ۵۶ قبل از این را) قسمت
 مربوط به حزین را گارسن دوتاسی Garcin de Tassy ترجمه کرده است در
 Mémoires sur les particularités de la religion musulmane dans l'Inde
 « یادداشت‌هایی درباره خصوصیات مذهب مسلمان در هند » پاریس
 ۱۸۶۹ صص ۶-۴۰؛ نشر عشق؛ نفمة عندلیب؛ مجمع الفصحاء ج ۲ صص ۹۴
 (سه سطر!)؛ هفت اقلیم صص ۴-۱۶۱؛ شمع انجمن صص ۱۳۰؛ نجوم السماء
 صص ۹۳-۲۸۹ (در صفحه‌های ۹۳-۲۸۷ فهرست مفصلی از آثار حزین
 دارد)؛ ریو ج ۱ صص ۳۷۲ و ج ۲ صص ۱۶-۷۱۵؛ بانکی پور ج ۳ صص ۷-۲۲۳
 (مطالبی بر اساس ریاض الشعراء)؛ براون در تاریخ ادبیات ایران ج ۴ صص

۱۸-۱۱۵ و ۸۱-۲۷۷؛ دائرة المعارف اسلام تحت عنوان حزين (از
 هدايت حسين) Shaikh Muhammad Ali Hazin his life, times, and Works
 «شيخ محمد علي حزين زندگي و زمان و آثارش» از سرفراز خان ختک Khatak
 لاهور ۱۹۴۴ (بينيد فهرست شرقي لوزاک را Lusac's Oriental list ژانويه
 و مارس ۱۹۴۶ ص ۶ ولي بيشتر از آنچه در بالا ذکر شد ندارد) وغيره]



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی